

## تأثیر مجازات اعدام بر استرداد مجرمین

احمدرضا رشیدی<sup>۱</sup> - لیلا رئیسی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰

### چکیده:

نهاد استرداد مجرمین به دنبال اجرای عدالت و جلوگیری از ایجاد پناهگاه امن برای مجرمان است با این وجود بسیاری از کشورها از استرداد مجرمین فراری به کشورهایی که مجازات اعدام را حفظ نموده‌اند امتناع می‌نمایند این در حالیست که حقوق بین‌الملل هنوز مجازات اعدام را ممنوع نکرده است. چنین رویکردی ناشی از رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر و بسیاری از نظام‌های حقوقی ملی کشورهای لغو‌کننده مجازات اعدام است در این مقاله اهمیت نهاد استرداد و وضعیت حقوقی مجازات اعدام تبیین، رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر و برخی نظام‌های ملی لغو‌کننده بررسی، و سه راه کار جهت غلبه بر این چالش ارایه می‌شود: لغو مجازات اعدام در کشورهای درخواست‌کننده، اخذ تضمینات کافی مبنی بر عدم اجرای مجازات اعدام در صورت استرداد، رسیدگی در کشور محل فرار مجرم

**واژگان کلیدی:** استرداد، مجازات اعدام، دادگاه اروپایی حقوق بشر، دادگاه‌های ملی

---

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری، حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی و حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران  
ar\_rashide@yahoo.com

<sup>۲</sup> - دانشیار، دانشکده علوم انسانی و حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران: نویسنده مسئول  
raisi.leila@gmail.com

## درآمد:

نهاد استرداد مجرمین به عنوان یک ابزار حقوقی مفید برای مبارزه با بی‌کیفری و ایجاد پناهگاه امن برای مجرمان فراری توسط تمامی نظام‌های حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته است. محدودیت‌های حقوقی عدم استرداد مجرمین صراحتاً در معاهدات استرداد قید می‌شود اما با وجود این مسایل حقوق بشری از جمله مجازات اعدام بدون اینکه معاهده استرداد این مجازات را مانع استرداد تلقی نماید فرایند استرداد مجرمین را تحت تاثیر قرار داده و به عنوان یک مانع جدی علیرغم تعهد کشورها به استرداد به حساب می‌آید هدف این مقاله این است که روشن نماید عدم استرداد مجرمین به دلیل وجود مجازات اعدام ناشی از چه عواملی است و چه راهکارهایی برای غلبه بر این چالش و بی‌کیفری مجرمان وجود دارد. بدین منظور مبحث اول به بیان ملاحظات کلی در خصوص استرداد مجرمین، تعریف، ماهیت، منابع و وضعیت مجازات اعدام در این نهاد می‌پردازد. مبحث دوم وضعیت کنونی مجازات اعدام را بررسی و نشان می‌دهد که چگونه حقوق بین‌الملل در مسیر غیر قانونی کردن آن گام بر می‌دارد. مبحث سوم توضیح می‌دهد که دادگاه اروپایی حقوق بشر به چه کیفیتی در آراء متعدد خود مجازات اعدام را به عنوان مانعی برای استرداد مجرمین تلقی نموده و غیر مستقیم در جهت لغو آن در سراسر جهان حرکت می‌کند و مبحث آخر: موضع دادگاه‌های ملی کشورهای الغاء کننده مجازات اعدام در برخورد با مجرمین فراری در معرض مجازات اعدام تبیین می‌نماید.

## مبحث اول: ملاحظات کلی در خصوص استرداد<sup>۱</sup> مجرمین

استرداد یک واژه عربی است که از ریشه «رد» گرفته شده و در لغت به معنای «باز پس گرفتن» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۳۲۰)، «بازدهی و پس فرستادگی» (نفیسی، ۱۳۷۰: ۲۱۶)، «طلب باز پس چیزی کردن» (دهخدا، ۱۳۵۰: ۱۱۵۰) و «تسلیم مجرم به دولت متبوع وی بر اثر تقاضا» (عباسی، ۱۳۷۳: ۱۷) آمده است.

در خصوص واژه شناسی استرداد یکی از علمای حقوق در این باره می‌گوید که قدمت نهاد پناهندگی بسیار دیرینه تر از نهاد استرداد بوده است و دولت‌های مقتدر با اعطای پناهندگی به خارجیان عزت و اقتدار خود را به نمایش می‌گذاشتند. بنابراین اعطای پناهندگی یک سنت<sup>۲</sup> و

<sup>۱</sup> - Extradition

<sup>۲</sup> - Tradition

تسلیم پناهنده به دولت متبوعش نوعی استثنا بر اصل و مغایر مهمان نوازی به شمار می‌رود. از این رو تسلیم تبعه یک رویه غیر سنتی<sup>۱</sup> بود که این لغت مرکب تدریجاً به لغت بسیط استرداد تبدیل شده است که البته نظر اقوی اینست که مأخوذ از مصدر لاتین «Extradre» به معنای تحویل اجباری شخص به فرمانروای دولت متبوعش می‌باشد. (فیروزمند، ۱۳۷۷: ۱۰۶)

در اصطلاح عمومی استرداد در یک توافق بین دولت‌ها قرار داده شده که مقرر می‌دارد چگونه و چه موقع یک کشور شخصی را که در طول محاکمه جزایی و یا برای پیگیری اجرای یک محکومیت کیفری غایب است نزد دادگاه‌های کشور دیگر به منظور اجرای مجازات یا حضور در محاکمه جزایی بفرستد. (تیوبر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۷)

با توجه به تعریف فوق و پیشینه استرداد مجرمین می‌توان گفت که استرداد مجرمین نهادی است حقوقی که به موجب آن فردی که متهم یا محکوم به یک جرم کیفری است از یک کشور به کشوری دیگر به منظور تعقیب یا اجرای مجازاتی که قبلاً محکوم شده انتقال داده می‌شود و اگر بنا به هردلیلی امکان استرداد میسر نشد پرونده نزد مراجع صلاحیتدار قضایی کشور محل وقوع جرم ارسال تا به جرم متهم رسیدگی نمایند. حتمیت مجازات مجرمین و جلوگیری از بی‌کیفری از نتایج این تاسیس حقوقی است.

بنابراین در نهاد استرداد چهار رکن اصلی وجود دارد:

- ۱- کشوری که درخواست استرداد را نموده است (کشور درخواست کننده)؛
  - ۲- کشوری که مورد درخواست واقع شده تا یک فرد را به محل وقوع جرم مسترد و یا تعقیب کند (کشور درخواست شونده)؛
  - ۳- فردی که استردادش مورد درخواست است (موضوع)؛
  - ۴- جرم کیفری که فرد به آن متهم یا محکوم شده است (جرم استرداد پذیر)؛
- نهاد استرداد مجرمین که به منظور اجرای مجازات محکومیت و پیگرد متهمین به کار گرفته می‌شود هدف اصلی‌اش اجرای عدالت و جلوگیری از ایجاد پناهگاه امن برای مجرمین فراری است اما ماهیت این نهاد چیست؟ آیا استرداد مجرمین امری سیاسی محسوب می‌شود؟ یا امری صرفاً حقوقی؟ آیا استرداد مجرمین نشأت گرفته از حقوق داخلی کشورها یا حقوق بین‌الملل عمومی

<sup>1</sup> -Extra- tradition

<sup>2</sup> -Teuber

است؟ در خصوص ماهیت استرداد مجرمین و ارتباط آن با عالم سیاست و حقوق، نظریات گوناگونی مطرح شده که هر یک به نوبه خود قابل تأمل و بررسی است. برخی از صاحب نظران بر این عقیده هستند که استرداد مجرمین یک امر سیاسی محسوب شده و مربوط به حاکمیت ملی دولت‌هاست در نقطه مقابل نیز برخی حقوقدانان پدیده استرداد را امری صرفاً حقوقی تلقی می‌نمایند که تلفیقی از حقوق داخلی کشورها و حقوق بین‌الملل عمومی و به طور خاص حقوق جزای بین‌المللی است. (احمدی، ۱۳۷۴: ۱۷) استدلال دسته اخیر مبنی بر قرار دادن نهاد استرداد مجرمین به عنوان جزئی از حقوق بین‌الملل عمومی اینست که استرداد دو دولت را در ارتباط با استرداد مجرمین با هم مواجه و مرتبط می‌سازد و قواعد آن برحسب مقررات داخلی و قراردادهای متغیر می‌باشد (گارو، ۱۳۴۳: ۳۷۹) امروزه عوامل متعدد بین‌المللی این نهاد را تحت تأثیر خود قرار داده، موضوعاتی از قبیل حقوق معاهدات، حقوق بین‌المللی عرفی، حقوق بشر، با این نهاد تلفیق و ماهیت حقوقی آن را آشکارتر می‌نماید و می‌توان در پاسخ به این سوال که آیا موضوع استرداد مجرمین یک موضوع سیاسی است یا حقوقی باید گفت که عوامل متعدد تأثیر گذار حقوقی نشان دهنده ماهیت حقوقی نهاد استرداد و تعقیب مجرمین است هر چند همانند سایر موضوعات حقوق بین‌الملل نمی‌توان مسائل سیاسی را در اجرای آن نادیده گرفت.

منابع استرداد مجرمین به ترتیب؛ معاهدات موجود بین دولت‌ها، قوانین داخلی کشورها، عرف و عادات بین‌المللی و شرط معامله متقابل است. در خصوص عرفی بودن تعهد به استرداد بین حقوقدانان اتفاق نظر وجود ندارد برخی حقوقدانان تعهد به استرداد را یک تعهد معاهداتی صرف می‌دانند که توسط معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای ایجاد شده است یک تعهد ایجابی که این تعهد در آینده، تبدیل به یک قاعده عام‌الشمول در حقوق بین‌الملل می‌شود. (ناش و بنتیکاس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۱۶۰) با توجه رویه عملی و رو به رشد دولت‌ها و افزایش تعداد کنوانسیون‌های حاوی تعهد به استرداد یا محاکمه این تعهد هنوز در مرحله آغاز تبدیل به یک قاعده عرفی می‌باشد (میرفلاح نصیری، ۱۳۹۴: ۲۴۱) و تاکنون عناصر تشکیل دهنده عرف بین‌المللی در خصوص استرداد یعنی رویه مستمر و اعتقاد دولت‌ها تکوین نشده‌اند. حتی اگر تعهد به استرداد و یا محاکمه ریشه‌های حقوق بین‌المللی عرفی آن مورد پذیرش باشد چنین تعهدی در

<sup>۱</sup> -Nash and Bantekas

ارتباط با جرایم تحت حقوق بین‌المللی می‌باشد جرائمی که برای مبارزه با تروریسم و کنوانسیون‌های جرائم سازمان یافته می‌توانند جرائم بین‌المللی به حساب می‌آیند. (حمید<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵: ۲۴۴)

برابر ماده یک قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹: «در مواردی که بین دولت ایران و دول خارجی قرار داد استرداد منعقد شده است استرداد طبق شرایط مذکور در قرار داد به عمل خواهد آمد و چنانچه قراردادی منعقد نشده و یا منعقد گردیده حاوی تمام نکات لازم نباشد استرداد طبق مقررات این قانون بشرط معامله متقابل به عمل خواهد آمد». دقت در مفاد ماده فوق به خوبی می‌رساند که در استرداد مجرمین قانون که مظهر اراده یک کشور است نمی‌تواند عهدنامه را که مظهر اراده دو و یا چند حاکمیت ملی است از بین ببرد؛ به عبارت دیگر در این رهگذر معاهده بر قانون تفوق و برتری دارد (آخوندی، ۱۳۸۰: ۳۱۵) قدیمی‌ترین اسناد بین‌المللی برای همکاری بین کشورها توافق نامه‌های دو جانبه بوده‌اند این توافقات معاهداتی هستند که مورد مذاکره، امضاء و (تصویب) دو کشور قرار گرفته‌اند. (ریچل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵: ۲۵۵)

همچنین اکثر توافق نامه‌های بین‌المللی استرداد مجرمین معاهدات دو جانبه می‌باشند در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم کشورها معاهداتی دو جانبه مختص به ضروریات آن روابط خاص منعقد کردند. (گیلبرت<sup>۳</sup>، ۱۳۹۱: ۲۵۵) در معاهدات استرداد به طور معمول پنج عنصر کلیدی وجود دارد که عبارتند از: تعهد کشورها به استرداد<sup>۴</sup>، جرایم قابل استرداد<sup>۵</sup>، زمینه‌های اجباری امتناع از استرداد<sup>۶</sup>، زمینه‌های اختیاری برای امتناع<sup>۷</sup> و مرجع مرکزی<sup>۸</sup> (کانال‌های ارتباطی). علاوه بر معاهدات دو جانبه معاهدات چند جانبه متعددی وجود دارند که به موضوع استرداد مجرمین پرداخته‌اند در بیشتر این معاهدات کشورها متعهد به استرداد مجرمینی که احتمال مجازات اعدام آنها وجود دارد می‌باشند البته در مواردی نیز تعهد به استرداد مجرمین در معرض اعدام توسط کشور درخواست شونده اختیاری بوده مگر اینکه کشور درخواست کننده تضمینات مناسب کافی مبنی بر عدم اجرای مجازات اعدام را بدهد. (ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی استرداد

<sup>1</sup> -Hameed

<sup>2</sup> -Reichel

<sup>3</sup> -Gilbert

<sup>4</sup> -Obligation to Extradite

<sup>5</sup> -Extraditable offences

<sup>6</sup> -Mandatory Grounds for Refusal

<sup>7</sup> -Optional Grounds for refusal

<sup>8</sup> -Central Authority

مجرمین) تعداد کمی از معاهدات استرداد مجرمین، صراحتاً استرداد را در شرایطی که امکان مجازات اعدام در کشور درخواست کننده وجود دارد ممنوع می‌کنند اما به عنوان یک جایگزین جهت حمایت از حقوق بشر و بی‌کیفری مجرم فراری در معاهدات جدید استرداد به کشور پناه دهنده به مجرم این اختیار را می‌دهند تا به صلاحدید خود به عنوان یک شرط استرداد تضمین‌هایی برای عدم اجرای مجازات اعدام از کشور درخواست کننده بگیرند. (رواکس<sup>۱</sup>، ۱۳۹۴: ۴)

اما مساله اصلی امروزه اینست که بسیاری از کشورها با وجود معاهده استرداد لازم الاجرا و تعهد به استرداد از استرداد مجرمین در معرض خطر اعدام به کشور درخواست کننده خودداری می‌نمایند این رفتار در مواردی که حتی تضمین کافی برای عدم اجرای مجازات اعدام از طرف کشور درخواست کننده ارایه می‌شود توسط کشورهای لغو کننده مجازات اعدام ارتکاب می‌یابد.

سوالاتی که اینجا مطرح می‌شود عبارت از اینکه؛ آیا اساساً مجازات اعدام بر خلاف حقوق بین‌الملل است؟ و اگر اینطور نیست عدم استرداد با وجود تعهد معاهداتی ناشی از چیست؟ و چه راهکارهایی برای جلوگیری از بی‌کیفری افرادی که مرتکب رفتاری می‌شوند که مجازات آن رفتار در محل ارتکاب اعدام است و به کشورهای لغو کننده مجازات اعدام با علم به عدم استرداد فرار می‌کنند، وجود دارد.

### مبحث دوم: وضعیت کنونی مجازات اعدام

حقوق اساسی بشر از جمله حق حیات در اسناد بین‌المللی متعددی قید و مورد حمایت قرار گرفته است. تعهداتی که این اسناد برای کشورها ایجاد می‌کنند ممکن است با وجود معاهده استرداد، مبنای رد درخواست استرداد مجرمین به حساب آیند. اولین سند بین‌المللی که حق بر حیات را محترم شمرد، اعلامیه جهانی حقوق بشر است. مطابق ماده ۳ اعلامیه، هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. براساس نظر آقای گالیندوپل حقوق و آزادی‌های مطروحه در اعلامیه جهانی حقوق بشر به واسطه رویه کشورها و اعتقاد حقوقی به حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل شده است. (عفو بین‌الملل، ۱۹۹۸)

سند دیگر بین‌المللی که حق حیات را محترم شمرده و برای اعضایش نیز لازم‌الاتباع می‌باشد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. بند ۱ ماده ۶ قانون میثاق مقرر می‌دارد: "هر انسانی بطور ذاتی حق زندگی دارد. این حق باید به وسیله قانون محافظت گردد. هیچکس را نمی-

<sup>1</sup> -Roeks

توان به طور دلخواه و خودسرانه از حق زندگی محروم نمود". این ماده محدودیت‌ها و تضمیناتی برای کشورهایی که مجازات اعدام را لغو نکرده‌اند معین می‌کند. (ناند<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹: ۱۳۷۶) بر این اساس حکم مرگ فقط برای مهمترین جنایات، آن هم مطابق قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب صادر می‌شود و مجازات اعدام نباید برای جرم‌هایی که افراد زیر ۱۸ سال مرتکب شده صادر شود و نباید در مورد زنان باردار اجرا شود.

دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به منظور الغای مجازات اعدام در ۱۵ دسامبر طی قطعنامه ۱۲۸/۴۴ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. مطابق بند ۱ این پروتکل "هیچ فردی در قلمرو قضایی کشورهای عضو این پروتکل اعدام نخواهد شد". این سند اولین سند بین‌المللی است که مجازات اعدام را صراحتاً الغاء نموده و یک تعهد حقوق بشری غیر قابل نقض ایجاد کرده است. از دیگر اسناد حقوق بشری بین‌المللی که به عنوان مستندی جهت لغو مجازات اعدام بیان شده کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارهای یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی و تزدیلی مصوب ۱۹۸۴ می‌باشد. اگرچه کنوانسیون اشاره‌ای به مجازات اعدام نکرده اما برخی بر این باورند که در بعضی موارد حقوق بین‌الملل صراحتاً مجازات مرگ را یک نقض ممنوعیت شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی و تزدیلی دانسته است. بر اساس این نظر ممنوعیت شکنجه یک هنجار غیر قابل نقض، عرف بین‌الملل و قاعده آمره است که هیچ کشوری نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. روش‌های خاص اجرای مجازات اعدام و شرایط محیط به آن به عنوان یک رفتار غیر انسانی، ظالمانه و موهن و حتی شکنجه به حساب می‌آید. (مندز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۱) تا جائیکه برخی اعدام را نهایت مجازات ظالمانه غیرانسانی و تحقیر آمیز قلمداد کرده‌اند. (روی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴: ۳) مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه‌هایی در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ از کشورهایی که مجازات اعدام را حفظ کرده‌اند درخواست نمود تا یک برنامه اجرایی با رویکرد لغو مجازات اعدام تهیه نمایند. این قطعنامه همچنین خواستار محدودیت شدید جهت اجرای مجازات اعدام و کاهش تعداد جرایمی که برای آنها مجازات اعدام وجود دارد شدند. (کمیسسیون آمریکایی حقوق بشر، ۲۰۱۱، ص ۱۱)

<sup>1</sup> -Nand

<sup>2</sup> -Mendez

<sup>3</sup> -Roy

ملاحظه می‌کنیم که در سطح بین‌المللی براساس اسناد حقوق بشری تنها کشورهای عضو دومین پروتکل الحاقی به میثاق حقوق مدنی و سیاسی تعهد الزام آور برای لغو مجازات اعدام دارند.

در سطح منطقه‌ای رویکرد اروپا نسبت به مجازات اعدام از مجازاتی مجاز در برخی شرایط تا لغو کامل در حال تکامل بوده است. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی وقتی در سال ۱۹۵۰ لازم‌الاجرا گردید بحثی راجع به منع مجازات اعدام نکرده بود. در عوض بند ۱ ماده ۲ آن بیان می‌دارد: «حق حیات کلیه افراد باید توسط قانون مورد حمایت قرار گیرد. هیچ کس نباید به طور عمد از حق حیات محروم شود به استثنای اجرای حکم دادگاهی که به دنبال ارتکاب جنایت افراد، این مجازات را طبق قانون تجویز می‌کند». در ادامه روند تکاملی در سال ۱۹۸۲ شورای اروپا پروتکل شماره ۶ الحاقی به کنوانسیون را تصویب نمود و ماده ۱ آن مقرر می‌دارد: «مجازات اعدام لغو می‌گردد و هیچ کسی نباید مورد چنین مجازات و یا اعدام قرار گیرد». براساس این ماده یک کشور ممکن است مقرراتی در حقوق خود را در ارتباط با مجازات اعدام برای اعمالی که در زمان جنگ یا جنگ قریب الوقوع واقع می‌شوند اتخاذ نمایند. سپس در سال ۲۰۰۲ شورای اروپا با تصویب پروتکل شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی و لغو کامل مجازات اعدام در هر شرایطی روند رو به پیشرفت خود را کامل نمود. (پری<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶: ۱۰) ماده یک بیان می‌دارد: «اعدام ... مجازات اعدام لغو می‌شود و هیچ فردی به چنین مجازاتی محکوم و اعدام نخواهد شد».

در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، منشور حقوق اساسی / بنیادین اتحادیه در دسامبر سال ۲۰۰۰ تصویب شد. منشور حقوق اساسی صراحتاً مجازات اعدام را منع نمی‌کند اما به عنوان قسمتی از نظام اتحادیه اروپا لغو مجازات اعدام را مفروض دانسته و اجازه استرداد را در جائیکه متهم با مجازات اعدام مواجه است، نمی‌دهد. زیرا منشور به طور کامل مجازات اعدام را ممنوع می‌داند. (تیوبر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰: ۹) بند ۲ ماده ۱۹ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا مقرر می‌دارد: «هیچ فردی ممکن نیست استرداد، اخراج و یا منتقل شود به کشوری که خطر جدی مبنی بر اجرای مجازات اعدام، شکنجه یا دیگر رفتارها یا مجازات غیرانسانی تحقیرآمیز در آنجا وجود دارد». منشور با تصویب پیمان لیسبون به میزان اصل پیمان وزن حقوق یافت. (تقوی، ۱۳۹۱: ۳۲) منشور حقوق

<sup>1</sup> -Perry

<sup>2</sup> -Teuber



بنیادین اروپا تنها سندی است که همزمان مجازات اعدام لغو، استرداد مجرمینی که در معرض اعدام، شکنجه و رفتار یا مجازات‌های غیر انسانی یا ترذیلی هستند ممنوع می‌کند. از دیگر اسناد منطقه‌ای حقوق بشر مرتبط با مجازات اعدام کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ سن خوزه- کاستاریکا می‌باشد. این کنوانسیون از تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۸ لازم الاجرا شده و برای اعضایش الزام آور می‌باشد. مطابق ماده چهارم این کنوانسیون هر شخصی حق دارد که حیات و زندگی وی محترم شناخته شود. این حق را قانون و از زمان حمل (جنین) حمایت خواهد کرد. هیچ کس نباید به نحو خودسرانه از زندگی محروم شود. کشورهایی که مجازات اعدام را لغو نکرده‌اند، چنین مجازاتی را فقط در جنایات مهم و طبق حکم دادگاه تعیین می‌نمایند. اشخاصی که به هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال یا بیشتر از ۷۰ سال داشته باشند به مجازات اعدام محکوم نخواهند شد. این مجازات شامل زنان باردار نمی‌شود. با تصویب پروتکل الحاقی به این کنوانسیون در سال ۱۹۹۰ به منظور لغو مجازات اعدام، دومین سند الغاگر منطقه- ای نیز ظهور پیدا کرد. ماده ۱ این پروتکل مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو این پروتکل اعدام را در سرزمینشان به کار نخواهند برد در خصوص هر فردی که در حوزه صلاحیت قضایی‌شان قرار دارد».

در حوزه آفریقا منشور حقوق بشر و مردم مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۱ بدون اشاره به مجازات اعدام، تکلیف دولت‌ها را به احترام تمامیت جسمی و زندگی انسان‌ها بیان می‌دارد در این منشور دولت وظیفه محافظت از حق بر حیات را دارد. به عبارتی دولت نباید جان شهروندان را از آنها بگیرد. (استفا نوسکا<sup>۱</sup>، ۱۶:۲۰۴۹)

ملاحظه می‌شود اسناد حقوق بشری نسبت به مجازات اعدام دو رویکرد لغو کننده و محدود کننده دارند. اسناد لغو کننده عبارتند از، دومین پروتکل میثاق حقوق مدنی و سیاسی، پروتکل- های ششم و سیزدهم کنوانسیون اروپای حقوق بشر، پروتکل الحاقی کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور حقوق اساسی/ بنیادین اروپایی.

اسناد محدود کننده نیز عبارتند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، منشور حقوق بشر و مردم کشورها آفریقا و کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی رحمانه، غیرانسانی یا موهن.

<sup>1</sup> -Stefanovska

آخرین گزارش مربوط به کشورهای لغو کننده مجازات اعدام، توسط عفو بین‌الملل تا تاریخ ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که بیشتر از دو سوم کشورهای جهان در حال حاضر مجازات اعدام را در قانون و در عمل لغو کرده‌اند. بر این اساس ۱۰۴ کشور برای تمامی جرایم، ۷ کشور برای جرایم عادی، ۳۰ کشور در عمل و در مجموع ۱۴۱ کشور تاکنون مجازات اعدام را لغو کرده و تنها ۵۷ کشور این مجازات را حفظ کرده‌اند. (عفو بین‌الملل، ۲۰۱۷: ۴۲) حذف قانونی مجازات اعدام در دو کشور اسلامی آذربایجان و ترکیه جای تأمل دارد. با این وجود آیا حقوق بین‌الملل مجازات اعدام را غیرقانونی اعلام کرده است یا خیر؟ طبق نظر دوگارد و وینگرد هیچ سند بین‌المللی حقوق بشر مجازات اعدام را غیرقانونی اعلام نکرده اگر چه پروتکل الحاقی به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نسبت به لغو مجازات اعدام نموده‌اند. این دو نویسنده ادامه می‌دهند که نه عنصر معنوی و نه رویه دولت‌ها (به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی) از ممنوعیت مجازات اعدام طبق حقوق بین‌الملل حمایت نمی‌کند. (دوگارد و وینگرد، ۱۹۹۸: ۱۹۶) پروفیسور شبت که از طرفداران لغو مجازات اعدام می‌باشد معتقد است که هیچ نوع ممنوعیتی در حقوق بین‌الملل برای مجازات اعدام وجود ندارد ولی الگوهای قانونی زیادی به شدت اجرای آن را محدود می‌کنند (شبت، ۲۰۰۳: ۵۸۲) با وجود اینکه نظرات نویسندگان فوق در خصوص ممنوع نبودن مجازات اعدام مطابق حقوق بین‌الملل نسبتاً قدیمی می‌باشد به نظر در حال حاضر همچنان این نظرات مورد پذیرش باشند. حقوق بین‌الملل عرفی در زمان کنونی ممنوعیتی برای مجازات اعدام ایجاد نکرده است اما عرف به سرعت در حال گسترش به نفع طرفداران لغو مجازات اعدام در سراسر جهان می‌باشد.

بنابراین و با وجود عدم مغایرت مجازات اعدام مطابق حقوق بین‌الملل چرا رویه کشورها از امتناع استرداد مجرمینی که در معرض مجازات اعدام هستند رو به گسترش است؟ پاسخ: این رویه ناشی از رویکرد دادگاه‌های بین‌المللی و به طور خاص دادگاه اروپایی حقوق بشر و دادگاه‌های ملی کشورهای لغو کننده مجازات اعدام است که به طور جداگانه هر یک را بررسی می‌کنیم.

**مبحث سوم: رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص استرداد مجرمینی که در معرض**

**خطر مجازات اعدام قرار دارند**

دادگاه اروپایی حقوق بشر متهمین یا مجرمین ارتکاب جرایمی را که در صورت اخراج و یا

استرداد به کشور متقاضی در معرض تضييع حقوق مندرج در مواد ۲ "حق حیات" و ۳ "منع شکنجه" کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار می‌گیرند را در مقابل نقض این حقوق که کنوانسیون برای آنها به رسمیت شناخته است، حمایت می‌نماید. (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۱)

وقتی که یک درخواست استرداد داده می‌شود قاضی کشور درخواست شونده باید بررسی کند که آیا استرداد مطابق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هست یا خیر. (دوبی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۶) اگر بدون توجه به مفاد کنوانسیون اتخاذ تصمیم نماید آنگاه با آیین پیش بینی شده وارد رسیدگی شده و در خصوص موضوع تعیین تکلیف می‌نماید. در هفتم جولای ۱۹۸۹ دادگاه اروپایی حقوق بشر آینده حقوق استرداد را تغییر داد. (روکس، ۱۹۹۴: ۹) پرونده مطروحه نزد دیوان مربوط به سورینگ علیه انگلستان به شماره ۱۴۰۳۸ / ۸۸ بود. جنز سورینگ پسر ۱۸ ساله یک دیپلمات آلمانی در ویرجینیای آمریکا متهم به قتل شد و به اروپا گریخت. (زوبلاک<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹: ۷۴۹) مجازات قتل در این ایالت اعدام بود. سورینگ در انگلستان بازداشت و دادگاه استان "بدفورد" علیه وی اعلام جرم قتل می‌نماید و در پی آن ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۶ به استناد معاهده استرداد مجرمین بین دو کشور انگلیس و آمریکا درخواست استرداد وی را از دولت انگلستان می‌نماید. دادگاه در رسیدگی به ماده ۴ معاهده استرداد استناد می‌کند که در این ماده تصریح شده، در خواست استرداد برای مجرمی که مجازات آن اعدام است در صورتی که کشور متقاضی تضمین دهد که مجازات اعدام را اجرا نکند، می‌تواند پذیرفته شود (باندورا<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵: ۳۰۵) این ماده مقرر می‌دارد: "اگر جرمی که برای آن درخواست استرداد شده مطابق قانون کشور درخواست کننده عضو مجازات اعدام داشته باشد اما در مورد مشابه مطابق قانون کشور درخواست شونده مجازات مشابهی مقرر نشده باشد استرداد ممکن است رد شود مگر اینکه کشور درخواست کننده تضمینات قانع کننده‌ای به کشور در خواست شونده بدهد که مجازات اعدام اجرا نشود." با موافقت دادگاه با استرداد، سورینگ شکایت خود را به کمیسیون اروپایی حقوق بشر ارائه و اظهار داشت با وجود تضمین داده شده به دولت انگلستان احتمال بسیار زیادی وجود دارد که در صورت استرداد مواجه با مجازات مرگ شود. عمده اعتراض وی به علت مواجه شدن با رفتار غیرانسانی و موهن مغایر با ماده سوم و اجرای مجازات مرگ مخالف ماده دوم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بود. در خصوص

<sup>1</sup> -Doobay

<sup>2</sup> -Zublke

<sup>3</sup> -Bandura

ماده ۳ وی مدعی بود که پدیده "راهروی مرگ" جائیکه افراد چندین سال در فشار فوق العاده در آسیب‌های روانی منتظر اعدام هستند مخالف ماده ۳ کنوانسیون اروپایی است. انگلستان در آن موقع پروتکل الحاقی ششم را تصویب نکرده بود و مجازات مرگ را مجاز می‌شمرد (گیلبرت، همان: ۱۷۵) دیوان اروپایی حقوق بشر در رأی خود تصریح کرد هر چند اصل موضوع استرداد سورینگ به تنهایی باعث نقض ماده ۳ نمی‌شود لکن اگر استرداد فرد را در معرض خطر واقعی رفتار غیرانسانی و موهن قرار دهد، دولت مسترد کننده مرتکب نقض ماده ۳ شده است.

دیوان برای نقض ماده ۳ چهار شاخص در نظر گرفت: (۱) مدت بازداشت موقت برای اعدام؛ (۲) شرایط و روش؛ (۳) شرایط روحی متهم؛ (۴) امکان استرداد به آلمان. دیوان نظر داد تصمیم انگلستان برای استرداد سورینگ به ایالات متحده اگر اجرا شود نقض ماده ۳ (ممنوعیت رفتار غیرانسانی و موهن) کنوانسیون خواهد بود. (دادگاه اروپایی حقوق بشر، ۲۰۱۵: ۱) در نهایت دیوان دولت انگلیس را ملزم می‌کند که ضمانت‌هایی را از ایالات متحده آمریکا در خصوص عدم استفاده از مجازات مرگ و رفتار مغایر با کنوانسیون طلب نماید. براین اساس دولت انگلستان از ایالات متحده ضمانت‌هایی جهت تضمین عدم اعمال مجازات اعدام در مورد سورینگ اخذ و متعاقباً دادگاه "ویرجینیا" وی را به دوبار حبس ابد محکوم نمود و او هم اکنون در حال گذراندن محکومیتش می‌باشد. (لاسان<sup>۱</sup> و اسپرمرز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹: ۳۲۸)

در پرونده دیگر آقایان بادر و کانبور دو تبعه کشور سوریه علیه سوئد شکایتی نزد دیوان مطرح که به شماره ۱۳۲۸۴/۰۴ به ثبت رسید. در این قضیه آقای بادر در سال ۱۹۹۸ در سوریه با برنامه‌ریزی قبلی شوهر خواهرش را که با خواهرشان بدرفتاری می‌کرد به قتل رساندند و در کشور سوریه در محاکمه‌ای غیابی به موجب ماده ۵۳۵ قانون کیفری سوریه به مجازات اعدام محکوم گردیدند. آنها در سال ۲۰۰۰ به کشور سوئد رفته و چندین بار از دولت سوئد درخواست پناهندگی کرده که درخواستشان رد شده و در نهایت دولت سوئد دستور اخراجشان را صادر نمود. براین اساس متهمین مذکور دعوایی در در دیوان اروپایی حقوق بشر علیه کشور سوئد مطرح نمودند. آنها ادعا می‌کردند که در صورتیکه از سوئد اخراج شوند با خطر واقعی حبس و اعدام مغایر مواد ۲ و ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مواجه خواهند شد. دیوان اروپایی حقوق بشر پس از بررسی مسأله در تاریخ ۸ نوامبر سال ۲۰۰۵ در رأی اصداری خویش متذکر می‌شود

<sup>۱</sup> -Lawson

<sup>۲</sup> -Schermers

کشور سوئد برای اخراج خواهان‌ها به سوریه آنها را در معرض مجازات اعدام قرار خواهد داد و به این نکته اشاره می‌کند که در محاکمه غیابی صورت گرفته علیه آقای بادر و برادرش خود ایشان و حتی وکیلشان حضور نداشته‌اند و این خود دلیلی بر این است که شرایط محاکمه عادلانه (موضوع ماده ۶ کنوانسیون) در خصوص آنها وجود نداشته است. از این رو دادگاه با این استدلال که بند ۲ ماده ۲۰ کنوانسیون با تصویب پروتکل شماره ۱۳ منسوخ شده و کشورهایی که پروتکل شماره ۱۳ را تصویب نموده‌اند متعهد هستند که نه تنها خودشان مجازات اعدام را اعمال نکنند بلکه حتی کسی را که در معرض این مجازات قرار ندهند. حکم به محکومیت دولت سوئد با استناد به ماده ۲ و ماده ۱ پروتکل شماره ۱۳ صادر نمود. (احمدی‌نژاد، همان: ۱۳)

در پرونده شماره ۴۴۰۹۵/۱۴ نزد دیوان اروپای حقوق بشر در دعوی آقای ای. ال. علی<sup>۱</sup> علیه روسیه، متقاضی مدعی بود که تبعه روسیه است از طرفی روسیه ادعا داشت که وی تبعه چین است و مقامات روسی دستور اخراجش را به چین صادر کردند. شاکای ادعا کرد که اخراجش به کشور چین وی را در معرض خطر واقعی مجازات مرگ قرار خواهد داد. پس از انجام مراحل رسیدگی دادگاه با این استدلال که استرداد و اخراج یک فرد به کشوری که دلایل قوی مبنی بر روبرو شدنش با مجازاتی مرگ وجود دارد نقض مواد ۲ و ۳ کنوانسیون است و در رای مورخ ۲۹ اکتبر ۲۰۱۵ نتیجه گرفت که تصمیم روسیه به اخراج آقای ای. ال. تشکیل دهنده نقض مواد ۲ و ۳ کنوانسیون است و روسیه را محکوم به پرداخت جزای نقدی نمود. (شورای اروپا، ۲۰۱۵: ۱۵)

دادگاه اروپایی حقوق بشر در دعوی دیگری به موضوع کیفیت تضمینات داده شده برای عدم اجرای مجازات اعدام پرداخت نشان داد که نوع این تضمینات نقش مهمی در قانونی بودن استرداد از نظر دادگاه دارد. راپو<sup>۲</sup> علیه آلبانی در ۲۵ دسامبر سال ۲۰۱۲ پرونده شماره ۱۰/۵۸۵۵۵ را به ثبت رساند و مدعی بود که استرداد وی به ایالات متحده آمریکا وی را در معرض مجازات اعدام قرار خواهد داد. دادگاه به موضوع کیفیت تضمینات داده شده توسط دولت درخواست کننده پرداخت و به این نتیجه رسید که تضمین‌های داده شده در این پرونده خاص، صریح و بدون ابهام می‌باشند و تاکنون هیچگونه نقض از هر یک از این تضمینات توسط ایالات متحده گزارش نشده است. بنابراین استرداد متقاضی دلالت بر نقض مواد ۲ و ۳ کنوانسیون

<sup>۱</sup>-AL(X.W)

<sup>۲</sup>- Rrapo

اروپایی حقوق بشر و ماده ۱ پروتکل شماره ۱۳ مبنی بر اینکه مجازات اعدام اجرا خواهد شد را نمی‌نماید. (شورای اروپا، ۲۰۱۷: ۳)

در پرونده‌های متعدد دیگری دیوان اروپایی حقوق بشر موضوع مجازات اعدام را به عنوان نقض ماده ۲ و ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به حساب آورده و کشورهایی را که اقدام به استرداد و یا اخراج افراد در معرض مجازات اعدام نموده‌اند محکوم به پرداخت جزای نقدی نموده است.

تاکنون ۴۷ کشور که ۲۸ کشور آن عضو اتحادیه اروپا هستند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را تصویب نموده‌اند طبق مواد ۳۳ و ۳۴ کنوانسیون طرف‌های متعاقد و یا هر شخص حقیقی، سازمان غیردولتی یا گروهی از افراد که مدعی هستند قربانی نقض حقوق شناخته شده در کنوانسیون و پروتکل‌های آن توسط یکی از کشورهای متعاقد شده‌اند می‌توانند از دیوان تقاضای رسیدگی کنند آراء قطعی دیوان نیز لازم الاتباع می‌باشند. بنابراین و با توجه به رویه تکامل یافته حقوق استرداد در دادگاه اروپایی حقوق بشر می‌توان نتیجه گرفت که اگر یک مجرم فراری که در معرض مجازات اعدام در کشور محل وقوع جرم است به یکی از این ۴۷ کشور بگریزد بر اساس رویه موجود دادگاه، کشورهای اروپایی بدون اخذ تضمینات کافی مورد نظر دادگاه حق استرداد این فرد را نخواهند داشت. دادگاه اروپایی مجازات اعدام را نقض ماده ۲ «حق برحیات» و نقض ماده ۳ «ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و ترذیلی» شناخته است. از طرفی ۲۸ کشور عضو اتحادیه به استناد بند ۲ ماده ۱۹ منشور حقوق اساسی اروپایی مکلف به عدم استرداد مجرمین فراری در معرض مجازات اعدام هستند این رویکرد دادگاه حداقل دو براینند دارد یک جستجوی غیرمستقیم لغو مجازات اعدام در کشورهای حفظ کننده مجازات اعدام، دوم ممنوعیت مطلق استرداد برای مجرمین فراری در معرض مجازات اعدام در صورت عدم ارایه تضمینات کافی مبنی بر عدم اعمال مجازات اعدام توسط کشور در خواست کننده.

### مبحث چهارم: رویه نظام‌های ملی لغو کننده مجازات اعدام

دیدیم که دو سوم کشورهای جهان مجازات اعدام را قانوناً و در عمل لغو نموده‌اند پروتکل شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که لغو کامل مجازات اعدام را مقرر نموده به جز در کشورهای روسیه، آذربایجان و ارمنستان در ۴۴ کشور دیگر عضو شورای اروپا تصویب شده است. این یعنی ۴۴ کشور مجازات اعدام را در همه شرایط حتی شرایط جنگی ممنوع کرده‌اند. در بعضی از پرونده‌های استرداد که در دادگاه‌های داخلی کشورهای لغو کننده مجازات اعدام

مطرح می‌شود حتی با وجود دادن تضمین کافی جهت عدم اجرای مجازات اعدام توسط کشور درخواست کننده و داشتن تعهد به استرداد مطابق معاهده استرداد به لحاظ محدودیت‌های حقوق بشری و دیدگاه‌هایی که نسبت به مجازات اعدام دارند از استرداد امتناع می‌نمایند.

به عنوان مثال در ژوئن ۱۹۹۶ دادگاه قانون اساسی ایتالیا با وجود اینکه توسط دادستان‌های آمریکا تضمیناتی داده شد که مجازات اعدام در خصوص پیتر و ویچنزا را اعمال نکنند استرداد وی را به ایالات متحده را نپذیرفت. ماده ۹ معاهده استرداد بین ایتالیا و ایالات متحده آمریکا کشور درخواست شونده را محق دانستند که استرداد را منوط به عدم اجرای مجازات اعدام توسط کشور متقاضی نماید دولت ایالات متحده آمریکا طی سه یادداشت غیر رسمی جداگانه چنین تضمینی را داد. دادگاه قانون اساسی ایتالیا به هر حال راضی نشد و در تصمیمش اعلام کرد ممنوعیت مجازات اعدام در قانون اساسی جایگاه مهم خاصی دارد و همه مجازات‌ها در ارتباط با اصول بشر دوستانه هستند در قانون اساسی ایتالیا حق بر حیات در بالاترین جایگاه قرار دارد و نیاز به محافظت مطلق از آن است. (بیانچی<sup>۱</sup>: ۱۹۹۹: ۷۲۲) این اقدام دادگاه قانون اساسی هر چند به دلیل حمایت از حقوق بشر انجام گرفت ولی نتیجه آن بی کیفیتی مجرم فراری بود پدیده‌ایی که تمامی نظام‌های حقوقی به دنبال مبارزه با آن هستند.

رد در خواست استرداد مجرمینی که در معرض خطر مجازات اعدام هستند محدود به کشورهای قاره اروپا نیست و کشورهای دیگر از سایر قاره‌ها به دلیل حمایت از حق بر حیات و حق بر منع شکنجه و دیگر رفتارهای غیر انسانی، موهن و ظالمانه از استرداد چنین مجرمینی استنکاف نموده‌اند.

در کشور کانادا در قضیه برنز<sup>۲</sup> برخلاف پرونده‌های کیندلر و ان‌جی دیوان عالی کانادا رأی داد که استرداد به یک کشور جائیکه مجازات اعدام ممکن است اعمال شود برخلاف قانون اساسی است و اعلام کرد مناقشات علیه استرداد بدون تضمین‌های لازم جهت عدم اجرای مجازات اعدام از زمان رأی دادگاه در پرونده‌های کیندلر و ان‌جی رشد و توسعه زیادی پیدا کرده است. کانادا اکنون یک کشور الغاء کننده مجازات اعدام برای تمام جرایم حتی جرایم در زمان جنگ است. چند ماه بعد از صدور این حکم، دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی مواجه با یک مورد

---

<sup>۱</sup> - Bianchi

<sup>۲</sup> - Burnz

مشابه شد در این پرونده خلفان محمد متهم به اقدامات تروریستی در دارالسلام در آفریقای جنوبی بازداشت شد طبق نظر دادگاه استرداد محمد به آمریکا بدون اخذ تضمینات کافی مبنی بر عدم مواجهه با مجازات اعدام، برخلاف حق حیات و رفتار غیر انسانی، تردیلی است. بنابراین بر علیه استرداد محمد رأی داد. (شبت، ۲۰۰۳: ۶۰۰)

آفریقای جنوبی حتی در جائیکه معاهده استرداد مجرمین با کشورهای دیگر دارد از تسلیم مجرم فراری که متهم به ارتکاب جرمی با مجازات اعدام است خودداری می‌نماید زیرا معتقد است که اجرای مجازات اعدام نقض حقوق اساسی بشر از جمله حق بر حیات، کرامت، آزادی از ظلم و رفتار غیر انسانی موهن است این کشور با وجود اینکه با بوتسوانا دارای معاهده استرداد مجرمین می‌باشد. از تسلیم هر مجرم فراری که متهم به ارتکاب یک جرم که مجازات اعدام بر آن تحمیل می‌شود به بوتسوانا امتناع می‌نماید. (جونز، ۲۰۱۳: ۱۸۵)

در قضیه دیگری اگاندا از کانال دیپلماتیک از انگلستان تقاضای استرداد دو نفر را که مرتکب قتل عمد شده بودند نمود به دلیل اینکه انگلستان مجازات اعدام را لغو کرده بود و در صورت استرداد به اگاندا متهمین مواجه با مجازات مرگ می‌شدند درخواست استرداد را نپذیرفت. (کارنزا<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۲: ۱۹۲)

دادگاه قانون اساسی کشور پرتوریکو نیز با استدلال‌های مشابه از استرداد یک مجرم فراری به نام خوان ملندز کروز<sup>۲</sup> به ایالات متحده آمریکا استنکاف نمود. دادگاه با رجوع به موضوع حق بر حیات به عنوان یکی از اساسی‌ترین حقوق بشری و با توجه به لغو مجازات اعدام در سال ۱۹۲۹ در پرتوریکو درخواست مطروحه را رد نمود.

ملاحظه می‌شود که موضوعات حقوق بشری (از جمله مجازات اعدام) در سال‌های اخیر به عنوان زمینه‌های جدید امتناع از استرداد مجرمین ظهور پیدا کرده‌اند. چنین موضوعاتی به طور سنتی از دلایل امتناع از استرداد حساب نمی‌شد. در حالی که دلایل سنتی امتناع از استرداد به - طور معمول بر حفظ منافع کشور درخواست شونده استوار بود. موضوعات حقوق بشری همیشه چنین نقشی را در کشور درخواست شونده ندارند. بنابراین رابطه بین حقوق بشر و استرداد به - طور گسترده‌ای به عنوان یک تنش دامن‌دار بین نقش‌های حفاظتی و تشریک مساعی این شکل از همکاری‌های حقوقی بین‌المللی دیده شده است. (پلچتا، ۲۰۱۰: ۱۰)

<sup>۱</sup> -Carranza

<sup>۲</sup> - Juan Melendez cruz



نقش‌های حفاظتی مشخصاً اهمیت بیشتری دارند وقتی که شخص مورد درخواست در معرض خطر مرگ و یا شکنجه قرار دارد. در زمان تصمیم‌گیری برای استرداد و یا انتقال مظنونین، کشورها نمی‌توانند چشمشان را بر روی نقض‌هایی بالقوه تعدادی از حقوق شامل حق غیرقابل نقض منع شکنجه و دیگر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، حق بر محاکمه عادلانه و همچنین منع تبعیض، حق بر حیات به منظور اطمینان از انجام تکالیفشان مطابق با حقوق بین‌الملل بشر ببندند (سیلویس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۱). چنین رویه‌هایی توسط دادگاه‌های ملی نشان از اهمیت فرد و حقوق بشر و اولویت آن در عرصه حقوق بین‌الملل دارد به طوری‌که دادگاه‌های ملی در مورد مجازات اعدام هیچگونه توجهی به تعهدات کشور متبوعشان نداشته و منافع کشور خودشان را در نظر نمی‌گیرند چنین بی‌توجهی نه تنها موجب مسئولیت دولت در مقابل نقض تعهدات بین‌المللی‌اش می‌شود بلکه نتیجه‌ای به جز بی‌کیفری مجرمان فراری نخواهد داشت اما راهکار چیست؟

### نتیجه‌گیری:

نهاد استرداد مجرمین در حال حاضر نقش بسیار موثری در مبارزه با بی‌کیفری مجرمان در تمامی نظام‌های حقوقی برای همکاری‌های بین‌المللی ایفاء می‌کند کشورها با استفاده از این نهاد به دنبال اجرای عدالت و جلوگیری از ایجاد پناهگاه امن برای مجرمان هستند با این وجود اجرای مجازات اعدام در کشورهای درخواست کننده استرداد به دلیل لغو مجازات اعدام در کشور درخواست شونده به عنوان مانعی جدی جهت ایفای نقش استرداد مجرمین ظهور پیدا کرده است حقوق بین‌الملل به روشنی به سوی غیر مجاز اعلام کردن مجازات اعدام پیش می‌رود و این امر با سرعت ادامه دارد. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کشورها را به لغو مجازات اعدام تشویق می‌کند. حقوق بین‌الملل عرفی با توجه به لغو مجازات اعدام در دو سوم کشورهای جهان مجازات اعدام را در حال تبدیل نمودن به یک موضوع ضد حقوق بشری می‌کند. در حالیکه هم‌اکنون مجازات اعدام مطابق حقوق بین‌الملل قانونی است رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر و بسیاری از نظام‌های حقوقی ملی کشورهای لغو کننده مجازات اعدام بر عدم استرداد مجرمین در معرض خطر مجازات اعدام قرار گرفته است. چنین رویه‌هایی همکاری‌های بین‌المللی در زمینه

---

<sup>1</sup> - Silvis

مبارزه با جرم را تهدید و استرداد مجرمان را تحت تاثیر قرار می‌دهد برای غلبه بر این تهدید سه راه کار به ذهن می‌رسد: نخستین و موثرترین راه کار لغو مجازات اعدام در کشورهای حفظ‌کننده این مجازات است. دومین راهکار ارایه تضمینات کافی به کشور درخواست‌شونده مبنی بر عدم اعمال مجازات اعدام و اجرای مجازات جایگزین است و سومین راه حل رسیدگی به اتهام مجرم فراری در کشور پناهگاه مجرم است به روشنی پیداست که هر یک از این راهکارها مشکلات جدی خود را دارند.

## منابع فارسی:

### کتب

- آخوندی، محمود (۱۳۸۰)، *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- احمدی، سید سعید (۱۳۹۴)، *استرداد مجرمین در حقوق بین‌الملل*، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۰)، *لغت نامه دهخدا*، تهران: چاپخانه ملی ایران
- عباسی، محمود (۱۳۷۳)، *استرداد مجرمین*، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش
- گارو، رنه، (۱۳۴۳)، *مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا*، ترجمه سید ضیاءالدین نقابت، چاپ اول، تهران: انتشارات مهرآگین
- گیلبرت، جف (۱۳۹۰)، *واکنش به جرایم بین‌المللی*، ترجمه پیمان نامامیان و رضا ایازی، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا
- میرفلاح نصیری، سیده ندا (۱۳۹۴)، *تعهد به استرداد یا محاکمه در حقوق بین‌الملل کیفری*، چاپ اول، تهران: نشر شهر دانش
- نفیسی، علی اکبر (۱۳۷۰)، *فرهنگ نفیسی (ناظم الاطباء)*، انتشارات فرنود سار جلد اول

### مقالات

- احمدی نژاد، مریم (۱۳۹۱)، *موانع استرداد و اخراج مجرمین در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر*، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱
- تقوی، سید محمدعلی (۱۳۹۱)، *رژیم حقوق بشر در اتحادیه اروپایی عدم شمولیت و یکپارچگی*، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌المللی، شماره ۱

### پایان نامه

- فیروزمند، محمودرضا (۱۳۷۷)، *همکاری‌های قضایی بین‌المللی به معاضدت قضایی و استرداد مجرمین*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

### Book

- Amnesty International. (2017), **Death sentences and Executions 2016**
- Bandura, Albert. (1995), **Self Efficiency Changing societies**, combridge University press
- Lawson Rick and G schermers, Henry. (1999), "**Leading cases of the europen court of human rights**", ars Aequi libri
- Nash. Susan and Bantekas, Hias, (2007). **International Law**, Routledge- Cavendish publisher, Edition3

### Paper

- Bianchi, Andrea. (1997), **Us- italy extradition challenging constitutioanality protection of fundamental rights**, African Journal in International law, 7
- Carranza, LUZ, (2002), Annual Report for and Resource and Material, "**Refusal of Mutual legal assistance and Extradition**" 146Th International Training course Reports of the seminal, UNAFEI
- Council of Europe/European court of Human Rights, (2015), **Information Note on the court's case – law**, No. 189.
- Council of Europe(2017), **Exchange of views on the question of abolition of capital punishment Human Dimension Implementation Meeting** Warsaw Working Session 12 : Rule of Law I Contribution of the Council of Europe
- Doobay. A. (2006). "**Extardition**",8 tax journal, ..... issue 849.
- Dugard, John; Vanden wyngaert, Christine. (1998). "**Reconciling extradition with human rights**", the American Journal of International law, v.92, n.2
- Hameed usman. (2015) "**Aut Deder Aut Judicare (Exradit or prosecute) obligation- Whether a Duty rooted in customar**" international law, International Journal of Humanitics and social science,15
- Jonas, obonye. (2013), "**Human rights, extradition and the death penalty: reflections on the stand-off between Botswana and south Africa**"International Journal on hunan rights.10.n.18
- Mendez, Juan. (2012),"**the Death penalty and the absolute prohibition of torture and cruel,inhuman and degrading Treatment or punishment**", human rights brief Journal,callege of Law, vol 20
- Nanda, ved. p. (1999)."**Bases for refusing international extradition requests: capital punishment and torture**", Fordhum International Law Journal,vol 23. Issue 5
- Perry, Michel J. (2016). "**The observance of human rights and freedom in the extradition proceeding of national and international on a (Levels)**", Journal of Danubian Studies and Reserch,

- Roeks, Craig R. (1994). “**Extradition, human Rights and the death penalty when nation must refuse to Extradit a person charged with a capital crime**”, California Western International Law journal. 25
- Roy, Gargi. (2014). “**Is capital punishment Acceptable**”, International Journal of Humanities and social science, 4.
- Schabas, William A. (2003). **The Abolition of the peath pentalty in Interna tional Law**, 3rd ed Cambridge, camberidge university press
- Silivis, Johannes, (2014), “**Extradition and Human Rights Diplomatic assurances and Human Rights in the Extradition context**”, Lecture presented, pc – oc meeting in Strasbourg UNODC. 2015. Country Review of canad
- Stefanovska, Vesna.( 2016). “**Right to life V capital punishment in extradition proceeding: a legal aspect**”, International Journal of scientific and Engineering Resarch, 7
- Zublke. Susanne and pastille, Tens Christion. (1999). “**Extradition and European convention- soering revisited**”, Gorge- Washington university law school

#### Site

- Inter American commission on Human Rights. (2011). **the Death penalty in Inter American human Rights system: From Restriction to Abolition**, internet: [www-cidh.org](http://www-cidh.org)
- Plachta, Michael. (2010). “**Contemporary problem of extradition: human rights, grounds for refusal and the principle Aut Deder Aut Judi car, Report on 114<sup>th</sup> International Training course visiting course visiting papers 64**”, available at <http://www.unafeier.jp>